

بررسی عوامل موثر بر انواع مخاطرات اجتماعی زندگی جوانان شهر تهران

افسانه کمالی^۱

مرضیه موسوی خامنه^۲

زینب عباسی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۲/۴

تحقیق حاضر به انواع مخاطراتی که جوانان در عصر کنونی با آن مواجه هستند، پرداخته است. مخاطره به تصمیماتی که در لحظات سرنوشت‌ساز گرفته می‌شود، اطلاق می‌شود. مخاطرات اجتماعی از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار گرفت و از آن میان، دیدگاه آنتونی گیدنز و آلریش بک به‌عنوان نظریه محوری انتخاب شد. مخاطره اجتماعی، پیامد ناخواسته تصمیمات افراد است که در شرایط آگاهی و یا عدم آگاهی صورت می‌گیرد. انواع مخاطراتی که جوانان در این دوران با آن رو به رو هستند، عبارت‌اند از: رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، مخاطرات اجتماعی و اقتصادی و مخاطرات مثبت. برخی از این مخاطرات، آثار سوئی بر زندگی آنان دارند و برخی دیگر می‌توانند زندگی آنان را متحول کنند. بدین ترتیب، افراد با آگاهی از انواع مخاطرات می‌توانند واکنش مناسبی از خود نشان دهند. جمعیت نمونه پژوهش، ۳۳۰ نفر از جوانان (۱۸-۳۰ ساله) دو منطقه شهر تهران بودند که اطلاعات لازم با استفاده از فن پیمایش و تکمیل پرسشنامه گردآوری شد و داده‌ها نیز بوسیله نرم افزار SPSS تحلیل گردیدند. نتایج نشان می‌دهد متغیرهای بازانديشی هویت شخصی، جهانی‌شدن و فردی‌شدن از عوامل تاثیرگذار بر انواع مخاطرات اجتماعی هستند که تصمیم افراد تحت تاثیر این عوامل ممکن است به پیامدهای نامطلوبی منتهی می‌گردد. بین متغیر بحران‌های جهانی و انواع مخاطرات اجتماعی رابطه‌ای مشاهده نشد. در مقابل مخاطرات منفی، مخاطراتی نیز وجود دارند که دارای پیامدهای مطلوب بر افراد هستند و می‌توانند به‌عنوان موتور پیشرفت و توسعه هر جامعه و کشوری در نظر گرفته شود. نتایج تحقیق بیانگر آن است که رابطه بین مخاطرات مثبت و

^۱ استادیار، جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

^۲ استادیار، جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

^۳ کارشناس ارشد، جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

جهانی شدن معنادار می‌باشد. همچنین، بین بازان‌دیشی هویت شخصی با مخاطرات مثبت رابطه معکوس وجود دارد.

واژگان کلیدی: مخاطره اجتماعی، جهانی شدن، فردی شدن، بحران‌های جهانی و بازان‌دیشی هویت شخصی



قدمت مخاطره^۱ به تاریخ عمر آدمی برمی گردد. در تاریخ و تقویم عمر بشر، روزهایی تلخ با نام حوادث و فاجعه‌های طبیعی مانند زلزله، سیل، طوفان و برخی حوادث دست ساخته بشر نظیر جنگ‌های مصیبت‌بار و خونین به ثیت رسیده‌اند. این وقایع که با ویرانگری‌ها و آسیب‌های مختلف انسانی، فیزیکی و اجتماعی همراه بوده‌اند، به انسان یادآوری می‌کنند که حوادث، جزئی از زندگی وی محسوب می‌شوند. علل حوادث طبیعی در عقاید خرافی و مذهبی جستجو می‌شد. به‌گمان گذشتگان، خدایان و عوامل ماورایی برای آنان تصمیم می‌گرفتند. خطرات براساس شانس و اراده افراد تعبیر می‌شد. به‌دلیل ضعف علم، فقدان ابزارهای اندازه‌گیری و تفکر ماورای طبیعی، انسان‌ها قادر به کنترل و محاسبه نبودند و تسلیم محض طبیعت بودند. نیاز عامل استفاده از قابلیت‌هاست. در واقع، نیازها موجب شده‌اند که از قابلیت‌های خود استفاده کنیم و دانش و فنون مختلفی را برای پاسخ مستمر به خواسته‌هایمان کشف و خلق کنیم. با پیشرفت‌هایی که حاصل شد، انسان‌ها توانستند بر طبیعت غلبه کنند و تاحدی آن را به استخدام خود درآورند. در دوران مدرن، پیشرفت در عرصه علم و فناوری به سایر حوزه‌های زندگی انسان نیز تسری پیدا کرد.

دنیای متجدد کنونی دارای دو روی سکه است. وجهی از آن، نشان از جنبه‌های مثبت و سازنده مدرنیته دارد؛ پیشرفت، امنیت، رفاه و آزادی از ویژگی‌های مثبت آن است. چهره منفی مدرنیته، آکنده از تهدیدها و مخاطرات هول‌انگیز است. (گیدنز، ۱۳۷۹ به نقل از عنبری ۱۳۹۰) گاه مخاطرات در دل آنچه مثبت تلقی می‌شود، پنهان گشته است. مدرنیته با گسترش فناوری و افزایش سطح رفاه بر دامنه انتخاب ما درحوزه‌های مختلف افزوده است، اما درعین حال خطرهای احتمالی بی‌سابقه‌ای را وارد میدان زندگی ما کرده است که نسل‌های پیشین به‌هیچ‌وجه با آن‌ها سروکار نداشتند. مخاطرات اجتماعی، پیامدهای نامطلوب تصمیماتی است که در لحظات سرنوشت ساز زندگی گرفته می‌شود. از مشخصه‌های دوران مدرن، فردی شدن امور است. به دنبال روند رو به رشد فردی شدن، هنجارها و رسوم سنتی که مبنای تصمیم‌گیری ما بود، از هم فرو پاشیده، ولی ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی ابداع نگشته است. در نتیجه، افراد در شرایط عدم قطعیت‌ها قرار گرفته‌اند و ناگزیر به انتخاب هستند که تصمیم‌گیری آنان ممکن است به نتایج ناخواسته‌ای منتهی - گردد. مخاطرات از تصمیمات ما ناشی می‌شوند. این تصمیمات، لزوماً در فضای ناآگاهانه گرفته نمی‌شوند. علم و فناوری چنان بر بخش‌های مختلف زندگی ما سیطره یافته‌اند که انسان‌ها علی‌رغم آگاهی از آثار سوء

^۱Hazard

آن، میل بر بهره‌مندی از آن دارند- نمونه‌هایی از این تصمیم‌گیری‌های آگاهانه را در عمل‌های جراحی زیبایی می‌توان دید. بنابراین در بسیاری موارد، افراد به‌عنوان کنشگران آگاهی که مرتکب اشتباه شده‌اند، مقصر شناخته می‌شوند و مورد سرزنش قرار می‌گیرند. در هر صورت، افراد در مقابل عمل خود مسئول هستند. پیوند مدرنیته با جهانی‌شدن منجر به جهانی‌شدن مخاطرات شده است، چرا که تصمیماتی که در گذشته با اتکا به داده‌هایی محدود گرفته می‌شد، اکنون با گسترش ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی دامنه وسیع‌تری یافته و افراد گزینه‌های بیشتری برای انتخاب دارند، اما از طرف دیگر، عدم قطعیت‌ها مسائل و مشکلاتی را برای آنان ایجاد می‌کند. بنابراین، در دوران مدرنیته، ما با مخاطرات بزرگتری در فضای متفاوتی رو به رو هستیم. بشر بیش از گذشته ناامنی، اضطراب و ترس را تجربه می‌کند. انسان امروز با بحران‌های جهانی نظیر مسائل زیست-محیطی، تروریسم و بحران‌های اقتصادی رو به روست. بدین ترتیب، پیامدهای نامطلوب تصمیمات اشتباه انسان‌ها، در سطح خرد و یا سطح کلان (سیاستمداران) ابعاد جهانی پیدا کرده است. اضطراب، همبسته طبیعی هر نوع خطر است. هر نوع تصمیمی در لحظات سرنوشت‌ساز با ترس و دلهره از پیامدهای آن همراه است. در عصر تجدد، مخاطرات اجتماعی بیش از هر زمان دیگری زندگی ما را به تسخیر خود درآورده است. برخی از مخاطرات، پیامدهای بد و نامطلوبی در زندگی ما دارند. بنابراین یک گرایش تدافعی نسبت به مخاطره حکمفرما شده است، آنچه فرهنگ ایمنی یا فرهنگ امنیت نامیده می‌شود، مخاطراتی است که همواره به وسیله اصول پیشگیرانه امنیت که بهتر از تاسف است، شکل داده می‌شود. این حالت عجیب مخاطره با مسئولیت فردی فزاینده در برابر مخاطره شدت می‌یابد، (کم‌شال، ۱۳۹۱) این درحالی است که از اثرات مثبت برخی از مخاطرات نمی‌توان چشم پوشید و اصل احتیاط‌گرایی و نظارت و خود مراقبتی رفتار در برخورد با این نوع مخاطرات، عاملی بازدارنده در جهت دستیابی به کمال خود و ترقی جامعه محسوب خواهد شد. در این شرایط افراد مخاطره‌پذیر می‌توانند به توانمندی و شکوفایی جامعه کمک کنند. خودانتقادی و نظارت در برخی حوزه‌ها تقویت کننده است و افراد را در مقابل برخی از مخاطرات حفظ می‌کند، اما افراد محتاط در هنگام تصمیم‌گیری‌های بزرگ و سرنوشت ساز زندگی که نیاز به برخورداری از اعتماد به نفس بالا، خودباوری و توانمندی دارد، توان خطر کردن ندارند. بنابراین در جهت حفظ موقعیت فعلی گام برمی‌دارند و فرصت‌های پیشرفت را از دست می‌دهند. عدم توان رویارویی درست و منطقی و مقابله با مخاطرات متاخر سبب شده که همچون گذشته فال‌بینی، رمالی و اعتقاد به سحر و جادو در جامعه اشاعه یابد. این علوم کاذب، راه را برای دستیابی به معرفت حقیقی می‌بندند و تلاش و پشتکار، ایمان و صبر جای خود را به سحر و جادو می‌دهند. بدین ترتیب، در شرایط فعلی جامعه ما نیاز به

بازنگری و اصلاح و تغییر دارد. در غیر این صورت، این شرایط نمی‌تواند جامعه را به سوی پیشرفت، خودکفایی و توسعه هدایت نماید.

دوران جوانی، حساس‌ترین و پرمخاطره‌ترین دوران زندگی انسان است. دوران جوانی، زمان تصمیم‌گیری‌های اساسی است که عموماً تأثیر بسزایی بر تمام ابعاد زندگی فردی بر جای می‌گذارند. در شرایط پر تحول و تغییرات پرشتاب و پراشوب جامعه ما و عدم وجود دانش قطعی، اغلب تصمیمات جوانان در فضایی سرشار از آشفتگی و سردرگمی صورت می‌بندد. در چنین نظامی، سرنوشت و تقدیر نقشی برعهده ندارند و جوانان خود مسئول تصمیم‌گیری‌ها و پیامدهای ناشی از آن به شمار می‌آیند. علی‌رغم اینکه ما با پدیده تورم جوانی جمعیت رو به رو هستیم، اما با پیچیده شدن حیات اجتماعی، جوانان که مهم‌ترین نقش را در سازندگی و آبادانی این مرز و بوم دارند، به بزرگترین چالش و دغدغه مسئولان و خانواده‌ها تبدیل گشته‌اند. آمارهای رسمی و غیررسمی، وجود مخاطراتی که جوانان امروزی با آن رو به رو هستند، تایید می‌کند. این تحقیق به منظور ارزیابی انواع مخاطرات زندگی جوانان صورت می‌گیرد و به دلیل پیوند مدرنیته با مخاطرات اجتماعی در پی آنیم که دریابیم آیا مولفه‌های گره خورده با مدرنیته، مانند جهانی‌شدن، فردی شدن و بحران‌های جهانی، در ایجاد مخاطرات اجتماعی نیز تأثیرگذار هستند؟

پیشینه پژوهش

اصطلاح مخاطره اجتماعی، یکی از اصطلاحات جدید در حوزه جامعه‌شناسی است. به دلیل تازگی و جدید بودن این اصطلاح، تحقیقات چندانی در این حوزه انجام نشده است. در اینجا به برخی از جدیدترین آنها اشاره می‌شود.

مهدی امیرکافی در مقاله‌ای با عنوان "بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)" در مجله تحقیقات علوم اجتماعی ایران (۱۳۸۷) مخاطره را به عنوان احتمال حوادث نامطلوب و زیانبار تعریف می‌کند که با درجاتی از اعتماد، پذیرش مسئولیت و تعهد و یا اشتراک در منافع، تشدید و یا تخفیف می‌یابد. او به این نتیجه دست می‌یابد که یک چرخه معیوب میان بی‌نظمی اجتماعی، مخاطره و احساس ناامنی و ترس وجود دارد که می‌تواند یکدیگر را تولید و بازتولید نمایند. اما اعتماد به عنوان ابزاری برای مهار مخاطره و مقابله با عدم قطعیت‌هاست که از سوی کنشگران به کار گرفته می‌شود.

میکاییل سیگریست^۱ و جورج سودکویچ^۲ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "ادراک مخاطره: با تاکید بر نقش اعتماد اجتماعی و دانش" نشان می‌دهند که اعتماد اجتماعی به کارشناسان (کسانی که مخاطرات را مدیریت می‌کنند) به طور قوی با قضاوت درباره مخاطره و سودها همبستگی دارد. بررسی مطالعات حاضر در راستای این پرسش می‌باشد که برای چه این‌ها مخاطره هستند؟ فرض مسلمی وجود دارد که افراد در هنگام فقدان دانش درباره مخاطره، ناگزیر هستند به کارشناسان اعتماد کنند که آنان در ادراک سودها و مخاطرات نقش تعیین کننده ای خواهند داشت. از طرف دیگر، هنگامی که یک فرد درباره مخاطره دانشی دارد، نیازی به اعتماد بر اقتدار مدیران و کارشناسان ندارد. در ۲۵ زمینه مخاطره آمیز فناوری و فعالیت‌های بشری، پیوند قوی بین اعتماد اجتماعی، قضاوت سودها و مخاطرات و عدم آگاهی وجود دارد. هیچ رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و قضاوت سودها و مخاطرات و آگاهی مردم از مخاطرات یافته نشد. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود عامه مردم غیرمتخصص که درباره مخاطرات دانشی ندارند، در قضاوت سودها و مخاطرات بر اعتماد اجتماعی تکیه کنند.

ادبیات نظری

تا آنجا که به مخاطره مربوط است، زندگی همیشه امری مخاطره‌آمیز بوده است. از گذشته‌های دور تاکنون، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مخاطره وجود داشته است. در این بخش، ما تنها به مخاطرات اجتماعی و فرهنگی می‌پردازیم.

مخاطرات روان‌شناختی^۳

در این رویکرد، ادراک افراد از محیط پیرامون و این که تا چه اندازه شرایط را نا مطلوب می‌بینند، بر ارزیابی کارشناسان و غیرمتخصصان تاثیر می‌گذارد. رویکرد روان‌شناختی بر روش‌های علمی در شناسایی و محاسبه مخاطره تکیه دارد. با این روش، مخاطرات به شکل آماری قابل محاسبه هستند. واکنش افراد و گروه‌های اجتماعی نسبت به مخاطرات واقعی که در هر موقعیتی وجود دارند، بر اساس قضاوت‌های شخصی و ذهنی است. مشکل چنین رویکردهایی آن است که تمایل دارند معانی و رفتارهای مرتبط با مخاطره را تا حد ادراک از مخاطره کاهش دهند و ارزیابی‌ها در سطح فردی است. دوگلاس و بک هر دو ضعف ارزیابی

¹Michael Siegrist

²George Cvetkovich

³Psychological risks

مخاطرات فردی شده را در ناکامی آنان در محاسبه و ارزیابی عینیت‌های علمی در بستر سیاسی و فرهنگی می‌دانند. (دنی،^۱ ۲۰۰۵: ۱۲)

مخاطرات فرهنگی^۲

ماری دوگلاس، از برجسته‌ترین چهره‌های رویکرد فرهنگی است. او و تعدادی از پیروانش نگاه‌شان به مخاطره از منظر ساختارگرایی کارکردی است. دوگلاس (۱۹۹۶) خودش را از تفاسیر فردی شده جدا می‌کند. او اصرار دارد که مخاطره، مفهومی عینی و قابل اندازه‌گیری نیست، اما دارای ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. مخاطره را باید در متن و بستر اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. (لاپتن،^۳ ۱۹۹۹: ۳۱)

مخاطرات اجتماعی^۴

شامل رویکردهای پدیدارشناختی^۵، رویکرد حکومت‌گرایی^۶ و رویکرد جامعه مخاطره‌آمیز^۷ است.

شارحان پدیدارشناختی یا هرمنوتیک بررسی می‌کنند که افراد چگونه جهان‌شان را به‌عنوان یک واقعیت تفسیری و با استفاده از معانی و دانش عرفی تجربه می‌کنند. آنان با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق در پی فهم تجربه افراد از مخاطره در جریان زندگی روزمره هستند. ادراک ما از مخاطرات جهان پیرامونی بواسطه کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد. در واقع، ادراک ما به طور اجتماعی ساخت می‌یابد. آن‌ها استدلال می‌کنند که این رویکرد بر شکلی از تحلیل که همان موقعیت‌های بلاواسطه، جایی که کنش اجتماعی اتفاق می‌افتد، متمرکز است. (همان، ۱۹۹۹: ۲۷)

نظریه حکومت‌گرایی، بیان می‌دارد که دولت‌ها به طور فزاینده‌ای نگران آن اند که انجمن‌های مردمی، پایانی بر تثبیت قدرت‌های دولتی باشند. دولت‌ها به حاکمیت بر رفتار افراد تمایل دارند. دولت در پیمایش، بررسی و آموزش افراد نقش دارد تا آن‌ها را با هنجارهایی مطابقت دهد. دولت‌ها در رشد و پرورش عادت‌هایی برای هدایت کنش و عمل نقش دارند و تفکر درباره روش‌های مخاطره و رفاه (فوکو، ۱۹۷۲) بخش

¹Denney

²Culture risks

³Lupton

⁴Social Risk

⁵Phenomenological approach

⁶Governmentality approach

⁷Risk Society

جدایی ناپذیر حکومت‌گرایی را تشکیل می‌دهد. به‌کارگیری این شیوه‌ها از سوی دولت نوعی همکاری برای حمایت جمعی از مخاطره است. (دنی، ۲۰۰۵: ۳۴)

چارچوب نظری

عدم توفیق رویکردهای فوق در تحلیل مخاطره کاملاً^۱ روشن بود، چرا که در بیشتر موارد نگاهی تک بعدی به مسئله مخاطره داشتند و ابعاد این مسئله را به درستی مورد واکاوی قرار نداده بودند. آنچه مسلم است جامعه مخاطره‌آمیز بک و گیدنز، بیش از سایر رویکردها، مخاطرات دوران مدرن را تشریح می‌کنند. بک و گیدنز تلاش کردند تا با نگاهی تاریخی- انتقادی، مخاطرات جامعه مدرنیته را تبیین و تفسیر کنند که در ادامه به اختصار شرح خواهیم داد.

ما برای توصیف جامعه و شرایط حاضر جهانی، مفهوم "عصر بحران‌های توسعه" را با تاکید بر اصطلاح آلریش بک از جامعه معاصر با عنوان "جامعه مخاطره" یا "جامعه مخاطره‌آمیز" به کار می‌بریم؛ یعنی، ما در عصری هستیم که عمده توجه‌مان به مخاطرات، مسائل و بحران‌ها ناشی از توسعه و رشد شتابان است. مخاطره عبارت از احتمال خطر یا اثرات زیانبار در یک عمل یا شیء است. مخاطره، منشا درونی و انسانی دارد، اما منشا خطر بیرونی است. گفته می‌شود که مخاطره، نتیجه آگاهی و انتخاب است، ولی خطر، تحمیل بدون پیش‌بینی و آگاهی می‌باشد. آنتونی گیدنز در تعریف مخاطره، آن را با آگاهی و انتخاب همراه می‌بیند، اما آلریش بک با ظرافتی تحسین‌آمیز و کاملاً^۱ جامعه‌شناسانه مخاطره را "پیامد ناخواسته و ناآشنای کنش انسانی" می‌خواند. از این رو، با بحث انتخاب و آگاهی همراه با مخاطرات عصر جدید چندان موفق نیست. (عنبری، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۵۱) در این تحقیق، ما برای بررسی مخاطرات اجتماعی هر دو تعریف را مبنای عمل قرار می‌دهیم.

بوین^۱ (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که بک دو نوع مخاطره را تعریف می‌کند. اول، مخاطرات فیزیکی که می‌توانند زندگی را نابود کنند و رادیو اکتیو و سموم را شامل می‌شوند. دوم، مخاطرات اجتماعی و فرهنگی مرتبط با ازدواج و دوران کودکی که علوم با بازاندری در این دو مورد، هم مشکلات را حل و هم تولید می‌کنند. (دنی، ۲۰۰۵: ۳۱)

^۱ Boyne

بک استدلال می کند که افراد در جوامع معاصر غربی در دوره‌ای در حال گذار زندگی می‌کنند که در آن جامعه صنعتی در حال تبدیل به جامعه ای مخاطره‌آمیز است. در این دو رهگذار، تولید ثروت، ملازم مخاطرات است؛ مخاطراتی که به منزله پیامد مدرنیزاسیون در حال گسترش‌اند. بنابراین، مشکل اساسی جوامع غربی تولید و توزیع کالاهایی مانند ثروت و اشتغال در وضعیت‌های کمیابی - همچنان که در اوایل مدرنیته وجود داشت و هنوز هم در کشورهای در حال توسعه باقیمانده است - نیست، بلکه ممانعت یا به حداقل رساندن زیان‌ها یا به عبارت دیگر، مخاطرات است. البته جامعه ما تفاوت‌های عمده‌ای با جوامع غربی دارد. اگر برای جوامع غربی، فقر و اشتغال پایین مخاطره تلقی نمی‌گردد و تنها درصدد کاهش زیان‌های ناشی از تولید ثروت به شمار می‌آیند، در جامعه ما، نبود امکانات، فقر، بیکاری و... برای افراد به ویژه جوانان مخاطراتی را ایجاد کرده است. جامعه ما به دلیل عدم توسعه یافتگی هنوز وارد فاز دومی که بک در رابطه با مخاطرات مدرنیته متاخر مطرح می‌کند، نشده است. امروزه، مناقشات و درگیری‌های مربوط به مخاطره بر عرصه‌های عمومی و سیاسی و خصوصی در حال سیطره یافتن است. از این رو، افرادی که در این جوامع زندگی می‌کنند، آگاهی بیشتری از مخاطره پیدا می‌کنند و مجبور می‌شوند که در زمینه‌های روزمره و عادی با مخاطرات رو به رو شوند: "هرکس به نوعی گرفتار پیکارهای تدافعی گوناگون و در انتظار ظهور نوعی خصومت در شیوه زندگی و تغذیه خود است." (بک، ۱۹۹۴: ۴۵ به نقل از رفعت جاه، ۱۳۸۹) علی‌رغم تفاوت در نوع مخاطراتی که جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه با آن رو به رو هستند، افراد همه جوامع در زندگی روزمره خود با مخاطرات رو به رو هستند و به دنبال چاره‌اندیشی برای مقابله و یا کاهش آثار زیان‌بار آن می‌باشند.

بک و گیدنز معتقدند که بین مدرنیته اول و دوم فاصله‌ای وجود دارد. به گفته آنان، مدرنیته اولیه بر پایه جوامع دولت-ملت^۱ است؛ جایی که روابط، شبکه‌های اجتماعی و اجتماعات به طور ضروری در معنای محله‌ای و منطقه‌ای قابل فهم هستند. الگوهای جمعی زندگی، پیشرفت و کنترل‌پذیری، اشتغال کامل و استثمار طبیعت از ویژگی‌های مدرنیته اولیه است که حالا با پنج فرایند بهم پیوسته تضعیف شده است: جهانی‌شدن، فردی‌شدن، انقلاب جنسیتی، بیکاری و بحران‌های جهانی. در تئوری واقعی و چالش‌های سیاسی مدرنیته دوم، این حقیقت مطرح می‌شود که جامعه باید به طور همزمان به این چالش‌ها پاسخ دهد. (بک، ۱۹۹۹: ۲) بک در بررسی علل مخاطرات متاخر، فاکتورهایی را مطرح می‌کند که بنا به بسترهای

¹ Nation-state Societies

²Beck

متفاوت فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی، برخی از این فرایندها قابل تعمیم به جامعه ما نیستند. آنچه مشهود است، جامعه ما نیز تحت تاثیر فرایند جهانی شدن، فردی شدن و بحران‌های جهانی قرار گرفته است. بدین ترتیب، ما از دیدگاه بک موارد فوق را برای تبیین مخاطرات اجتماعی اتخاذ می‌کنیم. جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که باعث می‌شود هر روز تعداد بیشتری از مردم در شرایطی زندگی کنند که در آن نهادهای جدید و از جا کنده شده، جنبه‌های اساسی زندگی روزمره را انتظام می‌بخشند. ویژگی این نهادهای جدید این است که جریان‌های بومی را با روابط اجتماعی جهان پیوند می‌دهند. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۸-۳۷) فردی شدن مورد نظر بک به معنای تجزیه شدن، انزوا، تنهایی یا پایان هر نوع جامعه یا ارتباط نیست. از دیدگاه بک، فرایند آزادبخشی از محدودیت‌ها، تنها رهاکردن افراد درون تلاطم جامعه در معرض مخاطره است. فردی شدن با مخاطرات فردی بیشتری همراه است. فردی شدن به معنی فروپاشی یقین و سنت در جامعه صنعتی و اجبار برای یافتن و ابداع یقین‌های جدید برای خود است. (جارویس^۱، ۲۰۰۷: ۲۷) بحران‌های جهانی مورد نظر او بیانگر آن است که خطرات در گرداب مدرنیته تبدیل به فرهنگ محلی در شکل‌های جدید می‌شوند. مخاطرات غیر قابل کنترل را نمی‌توان به عامل و مکان خاصی نسبت دهیم و به سختی در سطح دولت-ملت کنترل می‌شوند. (بک، ۲۰۰۲: ۴۲) مخاطرات زیست-محیطی، بحران‌های اقتصادی و تروریسم از جمله مخاطراتی هستند که تمامی جوامع با آنها رو به رو هستند. رخدادهایی از این دست، تمامی جوامع را در هر نقطه از این کره خاکی تهدید می‌کند و تمامی مردمان از پیامدهای ناگوار این مخاطرات در امان نیستند و در ترس و دلهره به سر می‌برند. پس مسئله یا فرض مرکزی پنهان در جامعه مخاطره‌آمیز این است که چگونه می‌توان مخاطرات در حوزه سیاست، قانون، علم، فناوری، اقتصاد و زندگی روزمره را کنترل کرد، در حالی که غیر قابل کنترل هستند.

برخلاف مخاطرات شخصی که در اوایل صنعتی شدن ایجاد می‌شد، حد و مرز چنین تهدیدهایی را، نه به لحاظ فضایی و نه زمانی و نه اجتماعی، نمیتوان معین کرد. عظمت و ماهیت جهانی مخاطرات چنان‌اند که تعیین کمیت و ممانعت و اجتناب از آنها روز به روز دشوارتر می‌شود. مخاطرات معاصر، بیشتر رویدادهایی بی‌انتهای هستند تا وقایعی که فرجام آنها قابل پیش‌بینی باشد. بک درباره اینکه "سطوح بالاتر و بالاتری از مخاطره‌ها تبدیل به هنجار می‌شود" سخن می‌گوید. (بک، ۱۹۹۵: ۱۳) به نقل از رفعت جاهد، ۱۳۸۹) مخاطره، از زیاد و تکثیر حضور همه جانبه فناوری مشتق شده است. در جوامع مخاطره‌آمیز، افراد در انتظار آخرین

¹Jarvis

فناوری‌های توسعه‌یافته هستند تا از این طریق پیامدهای منفی اختراعات قبلی را جبران کنند. به عقیده بک، نهادهای علمی که پیشرفت نمادین دارند، کره زمین را بیشتر به نقطه فاجعه نزدیک کرده‌اند. از نظر بک، مخاطره و فناوری با هم در ارتباط هستند. (دنی، ۲۰۰۵: ۳۰) مخاطرات در این عصر، در مکان و زمان محبوس نیستند و شکلی جهانی دارند. در نتیجه، مخاطرات این عصر سه خصیصه دارند: محاسبه‌ناپذیر، کنترل‌ناپذیر و جبران‌ناپذیر. آثار مخرب آن‌ها ممکن است چندین نسل را در بر گیرد، زیرا رشد و پیچیدگی دانش در نهایت، مخاطراتی تولید می‌کند که به دلیل ورود آن‌ها در قلمرو الگوها و فرمول‌های علمی، فیزیکی و شیمیایی هر روزه فراتر از درک و فهم انسان می‌شوند- در صورتی که در عصر ماقبل مدرن و جامعه صنعتی اولیه، مخاطرات، برتر از فهم آدمی نبودند و به تعبیر خود بک، در معرض درک حواس بودند؛ یعنی، قابل لمس و مشاهده بودند و کمتر در دانش علمی پیچیده جای داشتند. در مدرنیته متاخر، مخاطرات پدیده‌ای سیاسی، علمی و عمومی (مردمی) شده‌اند؛ یعنی، سیاستمداران، متخصصان و عامه مردم به آن فکر می‌کنند، چون راه حل یگانه، قطعی و علمی برای مقابله با آن‌ها وجود ندارد. (عنبری، ۱۳۹۰)

بک به گونه‌ای کمابیش ضد و نقیض، مخاطره را به طور همزمان هم تقویت کننده وضعیت‌های غیرعادلانه و هم عامل دموکراتیزه کردن و خلق نوعی شهروندی جهانی می‌داند. (بک، ۱۹۹۲: ۳۵) به نقل از رفعت-جاه، (۱۳۸۹) برخی از مخاطرات به صورت یکسان همه افراد را در بر می‌گیرد- مثل آلودگی هوا- و برخی از مخاطرات به گونه ای نابرابر برخی از طبقات را بیشتر متاثر می‌سازد- مانند این که فقرا بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی در برابر مخاطرات آسیب‌پذیر هستند. او با قبول این ایده که مخاطرات واقعی وجود دارند، رویکرد "عینی گرای علمی- طبیعی" را ننگه می‌دارد، اما با دست زدن به این استدلال که در جوامع غربی در مقایسه با دوره های قبلی مفهوم‌پردازی و پرداختن به سرشت و علل مخاطرات متفاوت است، دیدگاه "نسبی گرایی فرهنگی"- یا به عبارتی، موضع ساختارگرایی اجتماعی ضعیف- را وارد نظریه خود می‌کند. (رفعت‌جاه، ۱۳۸۹) ما از دیدگاه نسبی‌گرایی فرهنگی بک برای بررسی متغیرهای زمینه‌ای و تفاوت‌های گروهی استفاده کرده‌ایم.

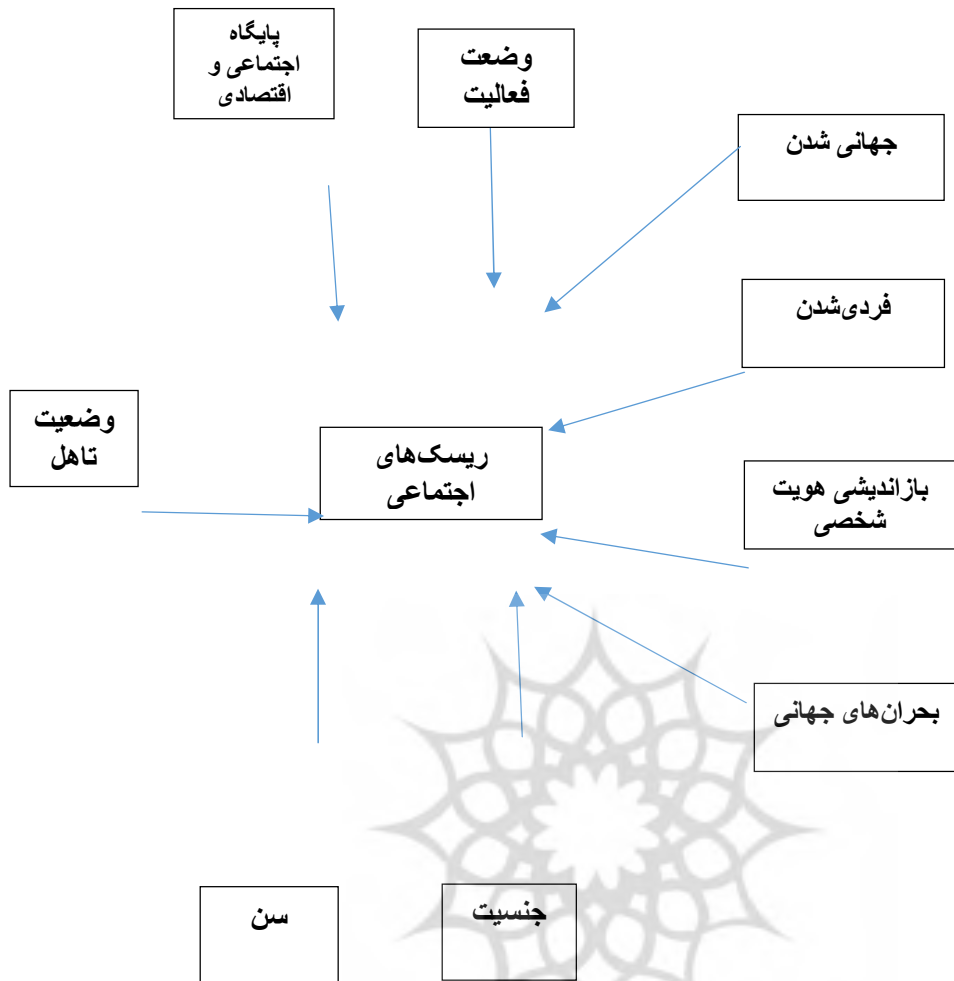
بک و گیدنز هر دو به بازاندیشی در مدرنیته متاخر معتقدند، اما تفاوت نگرش این دو نظریه‌پرداز اینجا مشخص می‌گردد؛ بر اساس نظر گیدنز، مدرنیته دوم بازتاب خواسته‌ها و باورها و انتخاب‌های افراد در مدرنیته صنعتی است، اما بک معتقد است بازاندیشی نشان دهنده وضوح ناخواسته‌ها و فرایند ناآگاهانه انتخاب افراد می‌باشد. از دیدگاه بک، پیامدهای ناخواسته مدرنیته بیش از آن که ناشی از دانش و آگاهی

باشد، بازنمای ناآگاهی جامعه است. بک، تضاد دانش‌ها را سبب عدم قطعیت‌ها در جامعه می‌داند که تصمیم‌گیری را برای افراد مشکل می‌کند، در حالی که گیدنز معتقد است در شرایط مخاطره باید به کارشناسان و نظام‌های انتزاعی اعتماد کرد و بدین وسیله است که انتخاب‌ها از روی آگاهی صورت خواهد گرفت به خصوص در حوزه بدن و خود.^۱ (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۵۶) ما در اینجا در پی آنیم که از این دو نظریه متناقض در تبیین مخاطرات مدرنیته استفاده کنیم. ما دیدگاه بک را در مورد فرایندهایی که موجب تضعیف مدرنیته اولیه و تولید مخاطره در مدرنیته متاخرگشته، می‌پذیریم. برخی از فرایندها که با شرایط جامعه ما منطبق است، مانند جهانی‌شدن، فردی‌شدن و بحران‌های جهانی به عنوان عوامل موثر بر مخاطره از نظرات بک اتخاذ می‌شود. این عوامل سبب پیامدهای ناخواسته کنش می‌شوند، در حالی که گیدنز بازناندیشی هویت شخصی را از عوامل تاثیرگذار بر مخاطرات مدرنیته می‌داند و معتقد است که خود به منزله تصویری بازتابی از خویشتن است که فرد مسئولیت آن را بر عهده دارد. در مدرنیته متاخر، حقیقت وجود ما همانی نیست که هستیم، بلکه چیزی است که از خویشتن می‌سازیم. (گیدنز، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۲) بازتابندگی خود تا محدوده بدن ما نیز امتداد می‌یابد؛ بدن جزئی از یک نظام کنشی است و نه صرفاً "یک شی منفعل. بازناندیشی هویت شخصی در جامعه ما نمود فراوان دارد؛ به طوری که آمارهای جهانی نیز گرایش افراد جامعه ما بدین سو را تایید می‌کنند. بنابراین، ما این عامل را از نظرات گیدنز به عنوان عاملی تاثیرگذار بر مخاطرات مدرنیته لحاظ می‌کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱Self

مدل تحلیلی



فرضیه‌های پژوهش

- بین بازاندیشی هویت شخصی و میزان مخاطرات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین جهانی شدن و میزان مخاطرات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین فردی شدن و میزان مخاطرات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین بحران‌های جهانی و میزان مخاطرات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت فعالیت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی) و میزان مخاطرات اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق

این تحقیق با روش پیمایش انجام شده است و از نوع کاربردی و در سطح خرد می‌باشد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر تهران می‌باشد که نمونه‌های مورد نظر از دو منطقه ۳ (بالای شهر) و منطقه ۱۷ (پایین شهر) به طور تصادفی انتخاب گردیدند.

روش نمونه‌گیری

واحد مشاهده و سطح تحلیل در این تحقیق، فرد می‌باشد. از آنجا که جامعه آماری بسیار وسیع بود، نمونه-گیری با استفاده از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۳۰ نفر تعیین گردید.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

داده‌های این تحقیق از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد. برای تعیین اعتبار صوری، نظر داوران متخصص در مورد پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. همچنین، برای تعیین روایی، پرسشنامه اولیه در بین ۳۰ نمونه توزیع شد و با حذف برخی سوالات که همبستگی درونی پایینی با کل شاخص مورد نظر داشتند، پرسشنامه نهایی تعیین گردید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

بعد از جمع‌آوری پرسشنامه، داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. برای توصیف متغیرها از آماره فراوانی استفاده گردید و برای آزمون فرضیات نیز با توجه به سطح سنجش متغیرها، از مقایسه میانگین‌ها، آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره بهره‌گیری شد.

تعریف مفاهیم

بازاندیشی هویت شخصی

گیدنز معتقد است در نظم پسااستی، هویت شخصی پروژه‌ای بازاندیشانه می‌شود. منظور این است که در جامعه مدرن، انسان‌ها دائماً "هویت خود را خلق و تصحیح می‌کنند و این که هستند و چگونه این گونه شده اند را مدام مرور می‌نمایند. البته هویت شخصی نمی‌تواند به راحتی به طور ارادی تغییر کند و پیوستگی دارد. ولی نکته مهم اینجاست که این پیوستگی ناشی از باورهای بازاندیشانه فرد درباره زندگی خود است. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۵) برای عملیاتی کردن متغیر بازاندیشی هویت شخصی از مولفه‌هایی چون مدیریت بدن و مدیریت افکار و عقاید استفاده شد. با استفاده از مولفه مدیریت بدن، نگرش افراد نسبت به جراحی‌های زیبایی، رژیم غذایی، پوشش و آرایش مورد سنجش قرار گرفت و به واسطه مولفه مدیریت افکار و عقاید، نگرش افراد نسبت به تغییر ذهنیت‌های گذشته ارزیابی گردید.

فردی شدن

فردی شدن بر بیگانگی یا تنهایی دلالت ندارد، بلکه به معنای این الزام در مدرنیته متاخراست که افراد در غیاب یقین‌ها و هنجارهای سنتی ثابت و الزام آور و ظهور شیوه‌های جدید زندگی که به طور مداوم در معرض تغییرند، باید خود زندگینامه شان را خلق کنند. (بک، ۱۹۹۴ : ۱۳ به نقل از رفعت‌جاه، ۱۳۸۹) بک فردی شدن را فرایند کمک به شکستن الگوهای قبیله‌ای-خانوادگی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی ازدواج و مکانیسم حمایت خانوادگی می‌داند. (جارویس، ۲۰۰۷: ۲۷) فردی شدن با مولفه‌هایی همچون آزادی جنسی در قالب سوالاتی حول محور تغییر در الگوهای سنتی ازدواج؛ حقوق مساوی با شاخص‌های نگرش سنجی در حوزه نقش‌ها و روابط خانوادگی؛ خودباوری (اعتقاد به توانایی خود) و رقابت با پرسش‌هایی پیرامون نگرش فرد در مورد مسئولیت فردی در کسب صلاحیت‌ها مورد سنجش قرار گرفت.

بحران‌های جهانی

به نظر می‌رسد که جامعه مخاطره‌آمیز نه یک فرایند درون‌زا که فرایندی بیرونی باشد که تصمیم‌گیری کشورهای دیگر به ویژه کشورهای مرکز در پدید آمدن آن نقش دارد. بدین ترتیب، اصلاحات در سطح ملی تقریباً "غیرممکن است. مناطق مختلف جهان تجربیات متفاوتی از بحران‌های جهانی دارند. آنچه مشترک است که اثرات شان قلمرو زدایی شده‌اند. (بک، ۲۰۰۲: ۴۳) برای عملیاتی کردن متغیر بحران‌های جهانی از مولفه‌های همچون: مسایل زیست-محیطی، تروریسم و بحران‌های اقتصادی استفاده کردیم و نظرات پاسخگویان را در رابطه با این پدیده‌های نوظهور مدرنیته مورد بررسی قرار دادیم. دلیل استفاده از این

مولفه‌ها و شاخص‌ها این است که بحران‌های مذکور از مسائل مورد مناقشه و چالش‌برانگیز در سطح جهان هستند و تمامی کشورها درگیر یافتن راهی برای برون رفت از آن می‌باشند.

جهانی‌شدن

گیدنز جهانی‌شدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که باعث می‌شود هر روز تعداد بیشتری از مردم در شرایطی زندگی کنند که در آن نهادهای جدید و از جا کنده شده، جنبه‌های اساسی زندگی روزمره را انتظام می‌بخشند. ویژگی این نهادهای جدید این است که جریان‌های بومی را با روابط اجتماعی جهانی پیوند می‌دهند. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۸) در این تحقیق، جهانی‌شدن به واسطه مولفه‌هایی مثل میزان استفاده از وسایل ارتباطی همچون: تلویزیون، ماهواره، اینترنت، کتاب، مجله، کلاس‌های آموزشی و اعتماد به دانش، مهارت و کارایی کارشناسان مورد سنجش قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

با توجه به داده‌های حاصل از پیمایش، یافته‌های این پژوهش در قالب عناصر استخراج شده الگوهای توصیفی و روابط استنباطی قابل ارائه می‌باشد

یافته‌های توصیفی از متغیرهای زمینه‌ای

پاسخگویان زن در این طرح تحقیقی، ۵۶/۱ درصد و مردان ۴۳/۹ درصد بوده‌اند. در متغیر وضعیت تاهل، بیشترین فراوانی متعلق به مجردها (۵۹/۲ درصد) بود و متاهل‌ها با ۳۷/۹ درصد، بدون همسر بر اثر فوت با ۱/۳ درصد و بدون همسر بر اثر طلاق با ۱/۶ درصد سایر نمونه‌های آماری را تشکیل می‌دادند. حدود ۱/۸ درصد از پاسخگویان دارای مدرک زیر دیپلم، ۲/۲۲ درصد مدرک دیپلم، ۱۲/۶ درصد مدرک فوق دیپلم، ۴۰/۳ درصد مدرک لیسانس، ۱۹/۴ درصد فوق‌لیسانس، ۳/۴ درصد دکتری و ۰/۳ درصد تحصیلات حوزوی بودند. آمارها بیانگر آن است که نمونه مطالعاتی ما را افراد تحصیلکرده تشکیل داده‌اند. بیشترین افراد شرکت‌کننده در تحقیق ما شاغلان با ۴۱/۴ درصد بوده‌اند و بیکاران حدود ۲۳/۹ درصد، افراد خانه‌دار ۱۲/۱ درصد، محصلان ۱۵/۳ درصد و افراد دارای درآمد بدون کار حدود ۷/۳ درصد از نمونه آماری تحقیق ما را تشکیل می‌دادند. میانگین سنی نمونه آماری ۲۵ سال بود.

متغیر وابسته: انواع مخاطره

بک و گیدنز از مخاطره اجتماعی به صورت کلی و انتزاعی بحث می‌کنند. ما با استفاده از تحلیل عاملی توانستیم آنان را به اجزای کوچکتر، قابل سنجش و قابل فهم تقسیم کنیم. حاصل تحلیل عاملی بدین قرار شد:

جدول ۱: تحلیل عاملی متغیر وابسته

متغیرها	kmo	آزمون بارتلت	درجه آزادی	sig
مخاطره های اجتماعی	۰/۸۳۱	۵۲۷/۴۵۷	۹۱	۰/۰۰۰

بر اساس نتیجه آزمون kmo که مقدار آن برابر با ۰/۸۳۱ است، داده های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل های زیربنایی و بنیادی اند. همچنین، نتیجه آزمون بارتلت (۵۲۷/۴۵۷) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار می باشد. بنابراین، تحلیل عاملی از صحت برخوردار است. در مجموع، ۴ عامل با مقادیر ویژه بالاتر از یک توانسته اند ۶۳/۸۳ درصد از واریانس ۱۴ گویه مربوط به مخاطره های اجتماعی را تبیین کنند.

جدول ۲: تحلیل عاملی میزان مخاطرات اجتماعی

گویه	۱	۲	۳	۴
چقدر احتمال می دهید جراحی های زیبایی و یا رژیم های سخت غذایی جان شما را به خطر بیاندازد؟	۰/۷۷۹			
چقدر احتمال می دهید بر اثر رفتار پرخطر رانندگان دیگر و یا جاده های نامناسب دچار سانحه شوید؟	۰/۶۸۷			
چقدر احتمال می دهید در اثر رفتارهای پرخطر خود مانند سرعت بالا در سفر دچار مخاطرات رانندگی شوید؟	۰/۶۳۵			
چقدر احتمال می دهید در صورت داشتن رفتار پرخطر به ایدز مبتلا شوید؟	۰/۵۸۴			
چقدر احتمال می دهید در صورت تاهل عدم بلوغ فکری شما منجر	۰/۵۴۴			

			به جدایی شود؟
		۰/۸۲۳	چقدر احتمال می‌دهید در آینده دست به عمل مجرمانه بزنید؟
		۰/۷۷۷	چقدر احتمال می‌دهید دست به اعمال خشونت‌آمیز (اعم از درگیری‌های خیابانی، تجاوزجنسی، خشونت خانگی) بزنید؟
		۰/۶۷۷	چقدر احتمال می‌دهید به اعتیاد روی بیاورید؟
		۰/۶۳۸	چقدر احتمال می‌دهید با خشونت (اعم از درگیری‌های خیابانی، تجاوزجنسی، خشونت خانگی) مواجه شوید؟
	۰/۷۲۰		در صورت متاهل بودن، چقدر احتمال می‌دهید ازدواج شما در آینده به طلاق منتهی شود؟
	۰/۷۰۷		در صورت اشتغال، چقدر احتمال می‌دهید در آینده شغل خود را از دست بدهید؟
	۰/۷۰۳		در صورت مجرد بودن، چقدر احتمال می‌دهید ازدواجتان بیش از این به تاخیر بیفتد؟
	۰/۵۶۱		فرض کنید سرمایه‌گذاری کرده‌اید. چقدر احتمال می‌دهید سرمایه‌گذاری شما در آینده با ورشکستگی مواجه شود؟
	۰/۹۰۵		در صورت بیکار بودن، چقدر احتمال می‌دهید شغل مناسب و دلخواهتان را در آینده بیابید؟
	۰/۸۷۰		چقدر احتمال می‌دهید کسب و کاری را برای خود راه بیندازید و به موفقیت‌های بزرگی نایل شوید؟

جدول ۳: توزیع فراوانی متغیر وابسته و آماره‌های آنها

متغیرهای مستقل	اصلاً	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
رفتارهای پرخطر	۱۶/۳	۲۲/۱	۲۶/۴	۱۸/۲	۱۳/۴	۳/۶	۲/۰۰
رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون	۶۸/۸	۱۵/۵	۹/۱	۳/۳	۲/۷	۰/۶	۰/۵۷

۱/۲۶	۲/۴	۱/۵	۱۰/۹	۲۰	۳۵/۵	۲۹/۷	مخاطره اجتماعی و اقتصادی
۲/۸۰	۱۴/۱	۲۱/۴	۲۶/۴	۱۵	۱۵/۹	۷/۳	مخاطره مثبت

تنها ۳/۶ درصد از پاسخگویان احتمال زیاد می‌دادند تا دست به رفتارهای پرخطر بزنند و بیشتر پاسخگویان احتمال کمی می‌دادند که با چنین مخاطراتی رو به رو شوند. پاسخگویان احتمال وقوع این مخاطرات را کم ارزیابی می‌کردند و تصور می‌نمودند که در برخورد با این مخاطرات در نقطه‌ای امن قرار دارند. همچنین، ۶۸/۸ درصد از پاسخگویان احتمال کمتری می‌دادند که با رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون رو به رو شوند و یا دست به رفتارهای خشونت‌آمیز و مجرمانه بزنند. بیشتر پاسخگویان احتمال رویارویی با مخاطرات اجتماعی و اقتصادی را ضعیف تلقی می‌کردند، در حالی که وقوع این نوع مخاطرات در جامعه ما بسیار دور از انتظار نیست. در مقابل، احتمال وقوع مخاطرات مثبت را بیش از سایر مخاطرات ارزیابی می‌کردند؛ چنان که در جدول مشاهده می‌کنید، گزینه‌های تاحدی ۲۶/۴ درصد و گزینه زیاد ۲۱/۴ درصد جهت‌گیری پاسخگویان را مشخص کرده است. بنابراین، اگر مخاطره را احتمال وقوع رخدادی در آینده بدانیم، با نتایج به دست آمده می‌توان گفت که جوانان جامعه ما نسبت به آینده امیدوار هستند یا ترجیح می‌دهند برای کاهش فشارهای روانی، زندگی خود را براساس این شعار «هرچه بادا باد» پیش ببرند. امیدواری به آینده به ویژه برای جوانان هر جامعه‌ای می‌تواند آن اجتماع را در مسیر رشد و پیشرفت قرار دهد و این آمارها گویای آن است که جوانان ایرانی، اراده مخاطره کردن و انجام کارهای خارق العاده چون کسب و کارهای خلاق (کارآفرینی) را دارند. این روحیه مخاطره‌پذیری، موتور تحول و توسعه اقتصاد، فرهنگ و جامعه است. رشد و فراگیری این پدیده می‌تواند به تحول و دگرگونی اساسی در اقتصاد ملی منجر شود و عدم توجه به استعدادها بالقوه و بالندگی آنها مانعی جدی برای پیشرفت تلقی گردد. بنابراین، مسئولان و سازمان‌هایی که عهده دار مسئولیت سیاست‌گذاری در این حوزه‌ها می‌باشند باید برای بهره‌برداری از این استعدادها و بکارگیری روحیه مخاطره‌پذیری جوانان، بسترها و امکانات لازم را فراهم آورند.

جدول ۴: توزیع فراوانی متغیرهای مستقل و آماره‌های آن‌ها

متغیرهای مستقل	اصلاً	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
بازاندیشی هویت شخصی	۲/۳	۲/۶	۲۹/۱	۴۵/۴	۱۷/۳	۳/۳	۴/۹۷
جهانی شدن	۱/۰	۶/۳	۲۱/۳	۴۲/۵	۲۱/۳	۷/۶	۳/۰۰
فردی شدن	۱	۲/۳	۲۳/۲	۵۲/۱	۲۰/۳	۱/۳	۴/۸۶
بحران‌های جهانی	۰/۶	۵/۴	۱۵	۲۶/۲	۳۶/۱	۱۶/۶	۳/۴۱

از نتایج چنین استنباط می‌شود که تنها ۲/۳ درصد از پاسخگویان تمایلی به بازاندیشی هویت شخصی نداشتند. بیشتر پاسخگویان علی‌رغم آگاهی از اثرات زیانبار آن، به‌سوی تغییر در افکار و بدن خویش گرایش دارند. در رابطه با متغیر جهانی شدن، ۱ درصد از پاسخگویان از وسایل اطلاعاتی و ارتباطی که مرتبط با جهانی شدن است، استفاده نمی‌کنند و بقیه پاسخگویان تحت تاثیر ابزارها و فناوری‌های جدید که نمایانگر جهانی شدن است، قرار دارند. در مورد متغیر فردی شدن، نظرات بیش از نیمی از پاسخگویان در میانه قرار گرفته است. در واقع، در برخی حوزه‌ها موافق و در برخی دیگر با تغییر در سنت‌ها مخالف اند. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، ۵۲/۱ درصد (بیشتر پاسخگویان) تاحدی فرایند فردی شدن را پذیرفته اند. این آمار نمایانگر آن است که در جامعه ما هنوز الگوها و ارزش‌های سنتی به طور کلی از بین نرفته است. اینک، در برخی از حوزه‌ها به فردی شدن امور و یا مدرن شدن گرایش داریم و در برخی از حوزه‌ها ترجیح می‌دهیم به رسوم گذشته وفادار بمانیم. تنها ۰/۶ درصد از پاسخگویان احتمال رویارویی با مخاطراتی از نوع بحران‌های جهانی را نمی‌دادند. بقیه پاسخگویان مخاطرات زیست-محیطی، بحران‌های اقتصادی و تروریسم جهانی را از بحران‌های عصر کنونی می‌دانند و وقوع این بحران‌ها در هر جای دنیا را تهدیدی برای خویش تلقی می‌کردند.

جدول ۵: آزمون همبستگی بین متغیرهای مخاطرات اجتماعی و متغیرهای مستقل

متغیر وابسته	متغیر مستقل	r	sig
رفتارهای پرخطر	بازاندیشی هویت شخصی	۰/۱۶۸	۰/۰۰۲
	جهانی شدن	۰/۴۵۱	۰/۰۰۱
	فردی شدن	۰/۳۳۶	۰/۰۱۷
	بحران های جهانی	۰/۰۴۲	۰/۴۷۲
رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون	بازاندیشی هویت شخصی	۰/۱۲۹	۰/۱۲۵
	جهانی شدن	۰/۲۷۰	۰/۰۰۰
	فردی شدن	۰/۲۴۷	۰/۰۰۰
	بحران های جهانی	۰/۲۸۶	۰/۱۳۱
مخاطره اجتماعی و اقتصادی	بازاندیشی هویت شخصی	۰/۳۰۷	۰/۰۰۰
	جهانی شدن	۰/۱۵۱	۰/۰۰۹
	فردی شدن	۰/۴۲۷	۰/۰۰۰
	بحران های جهانی	۰/۱۳۷	۰/۲۱۵
مخاطره مثبت	بازاندیشی هویت شخصی	-۰/۲۶۹	۰/۴۷
	جهانی شدن	۰/۱۳۶	۰/۰۰۶
	فردی شدن	-۰/۰۶۹	۰/۳۰۸
	بحران های جهانی	۰/۰۴۰	۰/۵۶۳

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین رفتارهای پرخطر و بازاندیشی هویت شخصی در سطح معناداری ۰/۰۰۲ که کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد. در نتیجه، بازاندیشی هویت شخصی می‌تواند افراد را در معرض مخاطراتی از نوع رفتارهایی پرخطر قرار دهد. بنابر نظر پاسخگویان،

می‌توان این گونه استنباط کرد که بازاندیشی هویت شخصی، پیامدهای نامطلوبی به همراه دارد که افراد را در معرض مخاطرات و یا رفتارهای پرخطر قرار می‌دهد. با وجود این که افراد جامعه ما می‌دانند که بازاندیشی هویت شخصی، مخاطراتی را برای آنها به همراه دارد، اما به سوی آن می‌شتابند. گیدنز معتقد است تصمیمات ما در فضای آگاهانه‌ای صورت می‌گیرد. مردم خطرهای احتمالی شیوه زندگی مورد نظر و آداب و عادات مربوط به آن را در محدوده امور جایز می‌پذیرند و آن را به‌عنوان بخشی از مجموعه خطرهای اجتناب‌ناپذیر در نظر می‌گیرند. خطر کردن عامدانه و آگاهانه، نوعی تجربه اعتماد است که در نهایت الزام‌هایی برای هویت شخصی فرد در برخواهد داشت؛ اعتماد به اینکه خطرهایی که عامدانه به استقبال آن‌ها می‌رویم همه فتح‌شدنی و تسلط‌پذیر خواهند بود. تسلط بر چنین خطرهایی، نوعی ارضا یا اقتناع خویشتن است. همینطور متغیر بازاندیشی هویت شخصی با سطح معناداری ۰/۱۲۵ که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نمی‌تواند عاملی تاثیرگذار بر مخاطراتی از نوع رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون باشد. در مقابل، همین متغیر در پدید آمدن مخاطره اجتماعی و اقتصادی تاثیرگذار است. با سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ با مخاطره اجتماعی و اقتصادی رابطه متوسط و مستقیم دارد. در جامعه مدرن، انسان‌ها دائماً "هویت خود را خلق و تصحیح می‌کنند و اینکه که هستند و چگونه این‌گونه شدند را مداوم مرور می‌نمایند که این برای افراد احتمالاً "مخاطره اجتماعی و اقتصادی به همراه دارد، چرا که هم هزینه‌های اقتصادی را به افراد تحمیل می‌کند و هم زندگی خصوصی و اجتماعی آن را دچار مشکل می‌نماید. همچنین، متغیر بازاندیشی هویت شخصی در سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ با مخاطرات مثبت رابطه معکوس و ضعیفی دارد. در واقع، تغییر مداوم در هویت فردی ناشی از عدم خودباوری و عدم اعتماد به نفس در افراد است. بدین ترتیب، افراد مزبور روحیه مخاطره‌کردن و مخاطره‌پذیری نخواهند داشت.

همچنین نتایج حاکی از آن است که انواع مخاطرات (رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، مخاطره اجتماعی و اقتصادی و مخاطرات مثبت) با متغیر جهانی شدن رابطه مستقیم و معناداری دارند. این نتایج بدین معنی است که جهانی‌شدن در ظهور مخاطرات مدرنیته عاملی موثر است. آلریش بک هم معتقد است که جامعه مدنی "شهروندان کریه" نیز تولید می‌کند. شهروندان کریه، کسانی هستند که از حقوق و رویه‌های دموکراتیک سوء استفاده می‌کنند. رشد جامعه مدنی باعث تنوع شهروندان کریه می‌شود. به عنوان مثال، می‌توان از گروه‌های راست افراطی که برای رسیدن به اهداف خود از اینترنت استفاده می‌کنند، یاد کرد. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۷۳) براساس آنچه بک بدان معتقد است جهانی‌شدن برای بشر مخاطراتی را

ایجاد کرده است. او به مخاطرات مثبت هیچ اشاره‌ای نمی‌کند، اما ما در این طرح تحقیقی بدان پرداختیم. به طور کلی، جهانی‌شدن هم می‌تواند فرصت تلقی شود و هم تهدیدی برای افراد جوامع باشد.

نتایج تحقیق بیانگر آن است که رابطه بین انواع مخاطرات (رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون و مخاطره اجتماعی و اقتصادی) با متغیر فردی‌شدن در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. در عصر حاضر، فرایند فردی‌شدن می‌تواند افراد را به سوی مخاطراتی با پیامدهای منفی سوق دهد. همانطور که پیش از این اشاره شد، جامعه ما بین سنت و مدرنیته قرار گرفته است. ارزش‌های سنتی به خصوص ارزش‌های دینی هنوز پا برجاست. حقیقت، درستی و اصالت سنت در آیین‌ها، مناسک، شعائر و تشریفات مذهبی است. گیدنز معتقد است وقتی آیین‌ها و مناسک مذهبی به شکل جمعی تکرار گردند، موجب قدرت گرفتن سنت می‌شوند. پایبندی بیشتر مردم موجب می‌گردد که آیین‌های مذهبی نقش تعیین کننده‌ای در زندگی افراد ایفا کنند. بنابراین، فردی‌شدن در برخی حوزه‌ها که در مقابل آموزه‌های دینی و مذهب قرار می‌گیرد، مخاطره‌آفرین است و در حوزه‌های دیگر احتمالاً "برای ما رفاه، امنیت و پیشرفت فراهم آورده است. در مقابل، بین مخاطرات مثبت و متغیر فردی‌شدن، رابطه‌ای وجود ندارد. پس فردی‌شدن نمی‌تواند افراد جوامع مختلف را در جهت مخاطرات مثبت هدایت کند.

رابطه بین انواع مخاطرات (رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون و مخاطره اجتماعی و اقتصادی و مخاطرات مثبت) با متغیر بحران‌های جهانی در سطح خطای بزرگتر از ۰/۰۵ معنادار نمی‌باشد و رابطه‌ای نیز مشاهده نشد. دلایل متفاوتی برای این عدم ارتباط وجود دارد. با توجه به نظرات بک، این نتیجه غیرعقلانی غیر منطقی قابل توجیه می‌باشد. بک معتقد است: امروزه بسیاری از مخاطرات مهم از درک و فهم ما می‌گریزند، زیرا در قلمرو فرمول‌های فیزیکی و شیمیایی متمرکز شده‌اند، مانند ترکیبات سمی در مواد غذایی یا تهدید هسته‌ای. این مخاطرات به جای آن که در تجربیات روزمره وجود داشته باشند، در دانش علمی جای گرفته‌اند. (بک، ۱۹۹۲: ۲۱ به نقل از رفعت‌جاه: ۱۳۸۹) محقق در فرایند پرسشگری با چنین مسئله‌ای رو به رو بود که برخی گویه‌ها پیرامون بحران‌های جهانی از حوزه درک پاسخگویان خارج بود.

جدول ۶: آزمون همبستگی بین متغیرهای زمینه‌ای و انواع مخاطرات اجتماعی

sig	F	T	میانگین	متغیرها	
۰/۸۴۶	۰/۰۳۸	۱/۱۵۵	۴/۲۵۲۹	مرد	جنسیت
			۳/۹۸۲۰	زن	
۰/۸۴۱	۰/۱۷۴		۳/۹۹۲۲	مناطق شمال شهر	پایگاه اجتماعی و اقتصادی
			۴/۰۷۵۸	مناطق مرکز شهر	
			۴/۱۸۸۴	مناطق جنوب شهر	
۰/۷۲۱	۰/۴۴۵		۴/۱۵۵۶	مجرد	وضعیت تأهل
			۴/۰۴۶۱	متاهل	
			۳/۲۲۹۲	بدون همسر بر اثر فوت	
			۴/۷۵۰۰	بدون همسر بر اثر طلاق	
۰/۵۰۱	۰/۸۴۰		۴/۲۲۴۴	شاغل	وضعیت فعالیت
			۴/۱۳۸۹	بیکار	
			۳/۹۹۱۲	خانه‌دار	
			۳/۶۱۹۸	محصل	
			۳/۸۴۰۶	دارای درآمد بدون کار	
۰/۰۰۵	۸/۱۲۸	۲/۴۱۴	۲/۱۱۷۲	مرد	جنسیت
			۱/۵۹۱۹	زن	
۰/۱۶۵	۱/۸۱۲		۲/۸۱۴۰	مناطق شمال شهر	پایگاه اجتماعی و اقتصادی
			۳/۵۵۶۴	مناطق مرکز شهر	
			۴/۰۵۲۲	مناطق جنوب شهر	
۰/۰۰۸	۳/۹۹۴		۲/۱۰۵۸	مجرد	

رفتارهای پرخطر

رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون

			۱/۴۰۹۱	متاهل	وضعیت	
			۳/۱۲۵۰	بدون همسر بر اثر فوت	تاهل	
			۱/۲۰۰۰	بدون همسر بر اثر طلاق		
			۱/۹۵۰۰	شاغل		
			۲/۱۲۶۷	بیکار		
۰/۱۳۱	۱/۷۹۰		۱/۲۳۶۸	خانه دار	وضعیت	
			۱/۵۷۲۹	محصل	فعالیت	
			۱/۶۵۲۲	دارای درآمد بدون کار		
			۳/۴۱۳۸	مرد	جنسیت	
۰/۲۲۴	۱/۴۸۳	۰/۹۴۸	۳/۲۱۳۵	زن		
			۴/۸۸۳۷	مناطق شمال شهر	پایگاه	
			۶/۱۵۰۴	مناطق مرکز شهر	اجتماعی و	
۰/۰۰۰	۹/۹۷۹		۷/۵۲۲۴	مناطق جنوب شهر	اقتصادی	
			۳/۸۲۵۴	مجرد		
			۲/۴۳۸۰	متاهل	وضعیت	
۰/۰۰۰	۱۴/۸۵۳		۳/۸۷۵۰	بدون همسر بر اثر فوت	تاهل	
			۳/۶۰۰۰	بدون همسر بر اثر طلاق		
			۳/۳۰۰۰	شاغل		
			۳/۷۹۳۳	بیکار		
۰/۰۰۱	۴/۷۵۰		۲/۳۱۵۸	خانه دار	وضعیت	
			۳/۳۶۴۶	محصل	فعالیت	
			۲/۶۹۵۷	دارای درآمد بدون کار		

۰/۰۷۰	۰/۳۱۳	-۲/۳۶۷	۵/۰۴۵۵	مرد	جنسیت
			۶/۰۰۰۰	زن	
۰/۱۶۷	۱/۸۰۸		۵/۸۸۲۴	مناطق شمال شهر	پایگاه
			۶/۰۷۲۳	مناطق مرکز شهر	اجتماعی و
			۵/۲۶۹۲	مناطق جنوب شهر	اقتصادی
۰/۷۶۷	۰/۳۸۱		۵/۷۷۱۴	مجرد	وضعیت
			۵/۳۷۵۰	متاهل	
			۶/۰۰۰۰	بدون همسر بر اثر فوت	تاهل
			۴/۶۶۶۷	بدون همسر بر اثر طلاق	
۰/۴۱۴	۰/۹۹۰		۵/۳۶۳۶	شاغل	وضعیت
			۵/۴۰۶۲	بیکار	
			۵/۵۶۱۵	خانه‌دار	فعالیت
			۶/۴۷۳۷	محصل	
			۵/۶۰۰۰	دارای درآمد بدون کار	

مخاطره مثبت

جدول ۷: آزمون همبستگی بین متغیرهای مخاطرات اجتماعی و متغیرهای مستقل

روابط همبستگی		متغیر مستقل	متغیر وابسته
sig	r		
۰/۰۳۲	-۰/۰۱۶	سن	رفتارهای پرخطر
۰/۰۰۳	-۰/۰۹۶		رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون
۰/۰۴۵	-۰/۱۱۴		مخاطره اجتماعی و اقتصادی
۰/۰۲۱	-۰/۱۰۴		مخاطره مثبت

در این بخش، رابطه متغیرهای زمینه‌ای مانند جنس، سن، وضعیت تاهل، قومیت، وضعیت فعالیت و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با انواع مخاطره مورد بررسی قرار گرفته است. بک در مورد جنبه‌های زمینه‌ای، رویکرد نسبی‌گرایی فرهنگی را به کار می‌گیرد و خاطرنشان می‌سازد که آنچه ممکن است در یک دوره تاریخی برای گروهی مخاطره تلقی شود، برای گروهی دیگر هیچ نگرانی را به وجود نیاورد. او معتقد است که فهم افراد از مخاطره متفاوت است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که متغیرهای زمینه‌ای (جنس، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، وضعیت تاهل و وضعیت فعالیت) تفاوت معناداری با متغیر رفتارهای پرخطر ندارد. در واقع، تمامی گروه‌ها از منظر جنسیت، پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی، وضعیت تاهل و وضعیت فعالیت به گونه‌ای یکسان در موقعیت آسیب‌پذیری قرار دارند.

در مورد متغیر رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، مردان بیش از زنان در معرض این نوع مخاطره قرار دارند- البته این نوع مخاطرات بیشتر با زندگی مردان مرتبط است. دلایل دیگری نیز وجود دارند؛ چنان که ساختار جامعه ما به گونه‌ای است که آزادی‌های بیشتری برای مردان قائل است و در مقابل، عرف جامعه محدودیت‌هایی بر زنان اعمال می‌دارد. همین امر برای آقایان نیز مشکلاتی را به وجود آورده است. همین‌طور افرادی که همسر خود را بر اثر فوت از دست داده‌اند، بیش از بقیه ممکن است دست به رفتارهای خلاف قانون بزنند. بدین دلیل که عمده‌ترین مشکل آنان عدم تمکن مالی است و حضور آن‌ها در اجتماع برای برطرف کردن مشکلات مالی با نگاه‌های آزاردهنده همراه است. علاوه بر این، شرایط نامناسب اجتماعی، مشکلات روحی و تنهایی و فرزندپروری را نیز می‌توان افزود که باعث می‌شود آنان نسبت به سایر گروه‌ها بیشتر در معرض مخاطرات مجرمانه قرار بگیرند.

نتایج نشان می‌دهد که زنان و مردان احتمالاً "به طور مساوی با مخاطرات اجتماعی و اقتصادی رو به رو می‌شوند، اما افرادی که از پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف‌تری برخوردار هستند و نیز افرادی که همسر خود را بر اثر فوت از دست داده‌اند، بیش از سایر گروه‌ها در مقابل مخاطرات اجتماعی و اقتصادی آسیب‌پذیر هستند. بیکاران در میان سایر گروه‌های فعالیتی در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارند. مخاطراتی همچون: طلاق، تاخیر در ازدواج و مشکلات اقتصادی این گروه را بیش از بقیه تحت فشار قرار می‌دهد.

افراد در گروه‌های مختلف جنسیتی، فعالیتی، تاهل و طبقه اجتماعی به طور یکسان در معرض مخاطرات مثبت قرار می‌گیرند و این تصور که گروه‌های خاصی به عنوان نمونه مردان در مقایسه با زنان یا طبقات بالادست در مقایسه با فرودستان از موقعیت مناسب‌تری برای مخاطره‌پذیری برخوردارند، با این نتایج نقض می‌شود. سن نیز عاملی موثر بر انواع مخاطرات می‌باشد؛ به گونه‌ای که افرادی که در دوران آغازین جوانی قرار دارند، احتمالاً با مخاطرات مختلفی رو به رو خواهند بود و با بالا رفتن سن و قرار گرفتن فرد در مرحله عقلانی، میزان مخاطره‌پذیری نیز کاهش می‌یابد.

بدین ترتیب، برای سنجش انواع مخاطرات اجتماعی عوامل مختلفی تاثیر گذار هستند که در قالب مدل رگرسیونی به آن پرداخته‌ایم.

جدول ۸: مقدار ضریب رگرسیون استاندارد شده تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر رفتارهای پرخطر

Model	Standardized Coefficients	Sig.
	Beta	
(Constant)		۰/۰۰۰
جهانی شدن	۰/۱۵۳	۰/۰۱۲
سن	-۰/۱۳۷	۰/۰۱۶
بازاندیشی هویت شخصی	۰/۱۱۳	۰/۰۴۹

$$Zy = ۰/۱۵۳ \text{ جهانی شدن} + ۰/۱۳۷ \text{ سن} + ۰/۱۱۳ \text{ بازاندیشی هویت شخصی}$$

با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر جهانی شدن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۵۳ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین، با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر سن، میزان مخاطره اجتماعی -۰/۱۳۷ انحراف استاندارد کاهش می‌یابد که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار است. متغیر بعدی که در تبیین تغییرات رفتارهای پرخطر سهم دارد، بازاندیشی هویت شخصی می‌باشد که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ توانسته به میزان ۰/۱۱۳ در تبیین تغییرات نقش داشته باشد و با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر بازاندیشی هویت شخصی، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۱۳ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

جدول ۹: مقدار ضریب رگرسیون استاندارد شده تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر رفتارهای مجرمانه خلاف قانون

Model	Standardized Coefficients	Sig.
	Beta	
(Constant)		۰/۰۰۳
جهانی شدن	۰/۲۷۰	۰/۰۰۲
فردی شدن	۰/۱۷۷	۰/۰۰۴
سن	-۰/۱۱۴	۰/۰۴۵

$$Zy = ۰/۲۷۰ \text{ جهانی شدن} + ۰/۱۷۷ \text{ فردی شدن} - ۰/۱۱۴ \text{ سن}$$

با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر جهانی شدن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۲۷۰ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر فردی شدن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۷۷ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر سن، میزان مخاطره اجتماعی -۰/۱۱۴ انحراف استاندارد کاهش می‌یابد.

جدول ۱۰: مقدار ضریب رگرسیون استاندارد شده تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر رفتارهای مخاطره اجتماعی و اقتصادی

Model	Standardized Coefficients	Sig.
	Beta	
(Constant)		۰/۰۰۰
بازاندیشی هویت شخصی	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰
فردی شدن	۰/۱۶۰	۰/۰۰۳
جهانی شدن	۰/۱۲۲	۰/۰۲۲

$$Zy = ۰/۲۰۱ \text{ بازاندیشی هویت شخصی} + ۰/۱۶۰ \text{ فردی شدن} + ۰/۱۲۲ \text{ جهانی شدن}$$

با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر بازاندیشی هویت شخصی، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۲۰۱ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر فردی شدن، میزان

مخاطره اجتماعی ۰/۱۶۰ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنادار است. و با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر جهانی شدن میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۲۲ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

جدول ۱۱: مقدار ضریب رگرسیون استاندارد شده تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر رفتارهای مخاطره مثبت

Model	Standardized Coefficients	Sig.
	Beta	
(Constant)		۰/۰۰۴
جهانی شدن	۰/۲۷۰	۰/۰۱۷
سن	-۰/۲۵۴	۰/۰۰۳

$$Zy = ۰/۲۷۰ \text{ جهانی شدن} - ۰/۲۵۴ \text{ سن}$$

با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر جهانی شدن میزان مخاطره اجتماعی مثبت ۰/۲۷۰ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین، با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر سن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۲۵۴- انحراف استاندارد کاهش می‌یابد که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنادار است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، انواع مخاطرات اجتماعی و عوامل موثر بر آن با استفاده از نظریات آرایش بک و گیدنز مورد بررسی قرار گرفت. همانطور که این دو نظریه پرداز مخاطره بیان کرده‌اند، این جهان به وسیله مخاطراتی مشخص می‌شود که بشر خود در ایجاد آن نقش دارد و با خطرات طبیعی در تقابل است. کلمه مخاطره، دربرگیرنده زندگی معاصر است. مخاطره به تصمیماتی که در لحظات سرنوشت‌ساز زندگی گرفته می‌شود، اطلاق می‌گردد. این تصمیمات در برخی موارد از روی آگاهی و با اعتماد به دانش کارشناسان مربوطه گرفته می‌شود و در بسیاری موارد، از روی ناآگاهی است. انواع مخاطراتی که جوانان جامعه ما با آن رو به رو هستند، عبارت اند از: رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، مخاطرات اجتماعی و اقتصادی و مخاطرات مثبت. به گفته بک، این مخاطرات ناشی از علم و فناوری جدید می‌باشند.

گسترش فناوری و علوم جدید، انتخاب‌های فراوانی را پیش روی افراد قرار می‌دهد. در مقابل، با به وجود آمدن دانش‌های متضاد و فروپاشی سنت‌ها، افراد در لحظات سرنوشت‌ساز زندگی در مسیر سر در گمی و آشفتگی قرار می‌گیرند. تصمیم‌گیری‌های آنان احتمالاً "به پیامدهای ناخواسته ای منجر می‌شود و حوزه وسیعی از حوادث و رفتارهای آینده را که اغلب پیچیده و دور از یکنواختی است، در بر می‌گیرد. ما در این تحقیق دریافتیم مخاطرات دارای پیامدهای مثبتی نیز هستند که بک بدان اشاره نکرده بود- چراکه نگاه بک به مخاطره کاملاً منفی است. البته گیدنز در نقد دولت‌های رفاه، توجه اندکی به این نوع مخاطره داشته است. او معتقد است عدم حمایت دولت از افراد بیکار و اقشار ضعیف و ... آنان را از تنبلی می‌رهاند و منجر به توسعه کارآفرینی می‌شود. با تکیه بر آرا و اندیشه‌های این دو نظریه پرداز مخاطره دریافتیم که جهانی شدن، فردی شدن و بحران‌های جهانی از عوامل موثر بر انواع مخاطرات اجتماعی هستند که به افراد جوامع تحمیل می‌شوند و بازاندیشی هویت شخصی از عوامل موثر بر مخاطراتی است که ما خود به استقبال این نوع مخاطرات می‌شتابیم و مسایل و مشکلات گوناگونی را برای خود و دیگران ایجاد می‌کنیم. عوامل فوق بر انواع مخاطرات همچون: رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، مخاطرات اجتماعی و اقتصادی تاثیر گذار هستند. شناسایی این عوامل به جوانان کمک می‌کند تا نسبت به مخاطراتی که دارای پیامد منفی هستند، واکنش مناسبی نشان دهند و رفتارهای محتاطانه‌ای را اعمال بدارند تا از تاثیرات منفی آن بکاهند. جهانی شدن، عاملی موثر بر مخاطرات مثبت بود که احتمال وقوع مخاطرات مثبت را افزایش می‌دهد. بنابراین، جهانی شدن هم می‌تواند به‌عنوان تهدید و هم فرصت تلقی شود و این به خود افراد هر جامعه‌ای بستگی دارد که چه نوع بهره ای از ابزارها و وسایل اطلاعاتی و ارتباطی و فناوری دنیای مدرن ببرند. البته فرهنگ‌سازی و آموزش می‌تواند آنان را در مسیر درست هدایت کند. پیش از این اشاره کردیم که از عوامل موثر برای مخاطره‌پذیری، خودباوری و اعتماد به نفس است. بازاندیشی هویت شخصی، تغییر ذهنیت، افکار و بدن می‌باشد. براساس آنچه گیدنز مطرح می‌کند، بازاندیشی هویت شخصیتی در راستای بهبودگی شخصیتی روی می‌دهد. افراد نسبت به صحت ذهنیات خود احساس تردید می‌کنند. با تغییرات سریع جامعه، افکار و ذهنیت در معرض تجدید نظر قرار می‌گیرد. اگر به روز کردن افکار در جهت دستیابی به کمال باشد، بسیار راهگشا خواهد بود. آنچه ما در پژوهش حاضر به دنبال آن بودیم، تغییر ذهنیت و افکار برای به‌روز کردن خود و در جهت اقناع خویشتن است. این دومی همانطور که نتایج جدول نمایش ماتریس نشان می‌دهد، برای جوانان مخاطراتی را در پی دارد. بدین ترتیب، هر چه افراد در مسیر بازاندیشی هویت شخصی گام بردارند، از مخاطرات مثبت دور می‌شوند. نتایج ما نشان‌دهنده امیدواری جوانان به آینده

نامعلوم و احتمال وقوع مخاطرات مثبت در آینده است- اما بدون تلاش و فراهم کردن زمینه و بسترهای مناسب چگونه می‌توان به آینده امیدوار بود. علی‌رغم آنکه پاسخگویان موفقیت حاصل از کسب و کارهای بدیع را با احتمالات بالا ارزیابی می‌کردند، اما قراین موجود جامعه ما نشانگر آن است که جوان ایرانی با واژه کارآفرینی بیگانه است. کارآفرینی، موتور توسعه و پیشرفت هر کشور و هر جامعه‌ای تلقی می‌شود. قرار گرفتن تولید در جریان‌های متلاطم بازار، امکان از دست رفتن سرمایه، پایین بودن حمایت‌های دولت از جوانان صاحب ایده و کارآفرین باعث کاهش مخاطره‌پذیری کارجویان در ورود به مشاغل مولد و گرایش شدید آنها به ورود در مشاغل اداری با درآمد تضمینی، شده است. بنابراین باید رویکردی را که گیدنز از آن صحبت می‌کند، پذیرفت و آن این است که این امیدواری، نوعی ساز و کار روان‌شناختی برای کاهش فشارهای روانی است و افراد در چنین شرایطی زندگی خود را بر اساس شعار آنچه بادآباد پیش می‌برند. به دلایل دیگری نیز ما می‌توانیم نظر گیدنز را بپذیریم و آن روی‌آوری افراد جامعه از جمله جوانان به خرافات و رمالان و.. است. در شرایطی که آنان از روحیه خودباوری و خوداتکایی برخوردار باشند و به توانمندی‌های خود تکیه کنند و نیز امکانات و حمایت‌های لازم از آنان فراهم شود، دیگر آنان زندگی بهتر را در چنین فضاها نامعقول و نامطلوب جستجو نمی‌کنند. بنابراین، تمامی نتایج حاکی از به کارگیری نوعی ساز و کار روان‌شناختی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- امیر کافی، مهدی. (۱۳۸۷). "بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)". فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران. دوره ۱، شماره اول.
- حاجی حیدری، حامد. (۱۳۸۸). آنتونی گیدنز، مدرنیت. زمان. فضا. تهران: نشر اختران
- عنبری، موسی. (۱۳۹۰). جامعه شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ. تهران: انتشارات سمت
- عنبری، موسی. (۱۳۸۷). جامعه شناسی فاجعه: کندوکاوی علمی پیرامون حوادث و سوانح ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- کمشال، هیزل. (۱۳۹۱). جامعه شناسی مخاطره: مخاطره، سیاست اجتماعی و رفاه. مهرداد نوابخش، علی روشنایی و امرالله امانی. تهران: بهمن برنا
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۱). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ناصر موفقیان. تهران: نی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). چشم اندازهای جهانی. محمدرضا جلائی پور. تهران: طرح نو
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی. منوچهر صبوری کاشانی. تهران: شیرازه
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). پیامدهای مدرنیته. محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز
- لاپتن، دبور. (۱۳۸۹). "بیم و مدرنیزاسیون تاملی". مریم رفعت جاه. فصلنامه ارغنون. شماره ۱۸.
- Beck, U. (1999). **World Risk Society**. Cambridge. Polity press
- Beck, u.(2002). **The Terrorist Threat World Risk Society Revisited**. 19,439-455
- Beck, u.(2002). **Beck's Sociology of Risk: A Critical Assessment**. 36-93
- Denny, D. (2005). **Risk and Society**. London. Ltd
- JARVIS, D. (2007). **Risk, Globalisation and the State**. 23-46
- Lupton, D. (1999). **Risk**. New York. Routledge
- Siegrist, Ms, Cvetkovich, G. (2000). **Perception of Hazards: The Role of Social Trust and Knowledge**. 20,713-719

A Study on Affecting Factors on Types of Risk of youth Social Life

Afsane Kamali

Asistat Professor in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Marzie Moosavi Khameneh

Asistat Professor in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Zeinab Abbasi

Master degree in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Received: 25 Jan. 2016

Accepted: 23 Apr. 2016

This research is to study the types of risks of young peoples' life in the present era. Risk is decisions that are taken at decisive moments. Risks were examined from different aspects. Then, social risks were chosen as the main theory. According to Ulrich Beck and Anthony Giddens' perspectives, social risk is the unintended consequence of decisions that takes place in conditions of awareness or non-awareness. Types of risks are high-risk behaviors, criminal behavior and illegal, social and economic risks and the risks of positive. Some of these risks have adverse effect on their lifes and against, some of these risks can change their lifes. Thus, if individuals are aware of the types of risks, they can show an appropriate response.

Sample population was 330 young people (30-18 years old) in the city of Tehran, and data were collected using survey method through the technique of questionnaire. The data were analyzed by SPSS software. The results showed that the variables of personal identity reflexivity, globalization and individualisation are the affecting factors on types of social risks. Some factors likely influence people's decisions and lead to undesirable consequences. The significant relationship between the variable of global crises and the social risks

were not observed. In contrast, negative risks are of desirable consequences on individuals and can be considered as the engine of progress and development for any society or country. The results indicated that the positive risks had significant relationship with variable of globalization. Also there were Inverse relationship between positive risks and variables of personal identity reflexivity.

Keywords: Social risk, Globalization, Individualization, Global Crises and Personal Identity Reflexivity

